

«محیط تنوع و تغییر دائمی در همه کالاها»، به عنوان منشأ انگیزش

اجتماعی در برنامه‌های توسعه

و تطبیق آن به خلق رذیله «حرص»؛ در مقابل «ایشار» به عنوان منشأ

انگیزش در تکامل الهی

روز دوازدهم محرم (۱۱ شهریور ۱۳۹۹)

حجت الاسلام محمدصادق حیدری

— مروری بر بحث قبلی:

بحث درباره «دنیاپرستی» بود که امروزه توسط «مدل‌های توسعه»، به خلق اجتماعی یک جامعه تبدیل می‌شود؛ لذا فقط تک تک افراد دنیاپرست نمی‌شوند بلکه یک جامعه به این وصف رذیله مبتلا می‌شود و بالاتر از آن، تمام کشورها و جامعه جهانی با سوار شدن در ماشین توسعه‌یافتگی، با علاقه و شتاب به طرف امیال دنیا حرکت کرده و عملاً آن را می‌پرستند. گرچه نظام مقدس جمهوری اسلامی، «اصل حاکمیت» را براساس اسلام و تکامل معنوی تأسیس کرده اما به دلیل غفلت حوزه و دانشگاه در موضوع «کیفیت حاکمیت» و اداره کشور و تأمین نیازهای مردم، به الگوی توسعه دچار شده و به همین دلیل، ضربه‌هایی به آرمان‌ها و اهداف انقلاب وارد شده است؛ زیرا هدف‌گذاری حرکت این ماشین به سمت دنیاپرستی و

۱. این مباحث در دهه اول محرم ۱۳۹۹ در هیئت گفتمان انقلاب شهر مقدس قم مطرح شده است. جهت دریافت صوت و متن کامل مباحث به پیام‌رسان «بله و ای‌تا» به نشانی ذیل مراجعه کنید:

بت‌پرستی مدرن (به تعبیر حضرت امام خمینی) است. ریشه‌ی این چالش اساسی نیز به شکل‌گیری «مشروطه اقتصادی» بازگردانده شد؛ یعنی بخش اعظم علما و متولیان دینداری مردم، مدل توسعه را مصداقی از رفع فقر و تأمین معاش می‌دانند که از امور عقلایی و مشترک بین ابناء بشر (اعم از مسلم و کافر) است و لذا نسبت به آن حساسیتی ندارند و وظیفه‌ای برای تغییر در آن احساس نمی‌کنند. کما این‌که در دوران مشروطه سیاسی نیز چنین تصویری وجود داشت و این‌گونه مطرح می‌شد که مقید شدن شاه به قوانین مجلس، مصداق دفع ظلم و استبداد است و لذا علی‌رغم هشدارهای شیخ فضل‌الله نوری، مرجعیت نجف از مشروطه‌خواهان حمایت کرد اما در نهایت با تسلط روشنفکران غرب‌زده و انحراف مشروطه، شیخ شهید به دار آویخته شد و علمای طرفدار مشروطه نیز حذف شدند و مرجعیت و احکام دین از صحنه امور سیاسی کنار رفت و عملاً معلوم شد که آن تصور نادرست بوده و مشروطه در واقع، مصداق دفع ظلم نبوده بلکه مصداقی از تسلط و نفوذ کفر بر امور مسلمین بوده است.

برای توضیح بیشتر پیرامون «مشروطه اقتصادی» باید توجه داشت که میل فردی و هوای نفس شخصی افراد به سمت دنیاپرستی و لذت‌های مادی دنیا، میدان تحرک و دامنه نفوذ زیادی ندارد و لذا ارتکاب فجایع بزرگی در عالم (مانند به شهادت رساندن امام حسین (ع)) قطعاً بخاطر دنیاطلبی فردی و عادی نیست بلکه ابزارهای اجتماعی هستند که برای این هوای نفس فردی، ماشین‌های پیشرفته و اتوبان‌های عریض و طویل درست می‌کنند تا تمام هوای نفس آحاد جامعه دست به دست هم بدهند و به وحدت برسند و یک قدرت متراکم تشکیل دهند و با سرعت بالا در این بزرگراه‌ها به سمت لذت دنیا حرکت کنند. در این صورت است که یک امت برای رسیدن به شهوات دنیا، این فجایع بزرگ را مرتکب می‌شوند؛ زیرا این ابزارهای اجتماعی برای یک امت و جامعه، محیط پرورشی ایجاد می‌کنند که اکثریت با قرارگرفتن در آن مبتلا به «خُلُق رذیله اجتماعی» می‌شوند. امروزه نیز ایجاد این خلق‌های اجتماعی و مهندسی ابزارهای آن توسط «الگوهای توسعه» صورت می‌گیرد که به اسم دستیابی به رفاه، هدف‌گذاری جوامع را براساس دنیاپرستی مدرن شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، رفاه را به عنوان هدف سیستم‌های اقتصادی معرفی می‌کنند و سپس آن را به اهداف کمی و کیفی در تمام موضوعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تبدیل کرده تا یک جامعه با تمام وجوه خود به سمت بازی و ملاحظه با دنیا حرکت کند.

حال اگر مؤمنین و عزاداران حسینی می‌خواهند از دشمنان حضرت انتقام بگیرند باید بدانند که اساسی‌ترین و اصلی‌ترین خصوصیات این دشمنان، «خلق اجتماعی دنیاپرستی» بود: «قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتُهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأُذُنِ وَالْأُذُنِ وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّىٰ فِي هَوَاهُ»^۲ (زیارت اربعین). امروز نیز این خلق اجتماعی توسط این الگوهای رایج در جهان ایجاد می‌شود و اگر این الگوها را صرفاً به شرط «عدم مخالفت بین با احکام شرع» وارد جامعه اسلامی کنیم، سرنوشتی همانند سرنوشت دوران مشروطه سیاسی برای ما رقم خواهد خورد. زیرا این الگوی اداره، نظامی یک‌پارچه و همه‌جانبه است که با مقیدکردن و مشروط کردن آن اصلاح نمی‌شود بلکه در عمل، همه آن قیود و شروط را به نفع خود منحل می‌کند و به تدریج، اهداف و مقاصدی که برای آن طراحی شده را محقق می‌نماید. لذا اگر الگوی جایگزین و کاربردی در مقابل اهداف کیفی و کمی چشم‌اندازها، سیاست‌های کلان و برنامه‌های سالانه و بخشی الگوهای توسعه ایجاد نکنیم همان اخلاق دنیاپرستانه‌ی دشمنان امام حسین (ع) در کشور حسینی ایران جاری می‌شود. البته امروز نیز به هر اندازه که این الگوها در کشور جریان پیدا کرده، ناهنجاری‌ها و تعارض‌ها و دوگانگی‌هایی ایجاد شده و اکثر متدینین نسبت به اخلاق عمومی مردم در مقایسه با دهه شصت، احساس ناراحتی می‌کنند. یعنی چون وجدان عمومی ملت ایران با مصائب اهل بیت (ع) آغشته شده و از این اخلاق رذیله‌ی دنیاپرستانه متنفرند، از وضعیت فعلی کشور ناراضی هستند و دائماً در رفتار نظام، تعارض و دوگانگی را مشاهده می‌کند و حال آنکه خیلی از مسلمانان جهان به این اخلاق، خو گرفته و احساس تنفر ندارند.

در واقع بعد از جنگ تحمیلی که کشور در فضای تثبیت و ثبات قرار گرفت و خواستیم به صورت علمی و تخصصی کشور را اداره کنیم و از سویی، علما و فقها به این امور حساسیت نداشته و آن را خارج از خطابات شارع دانستند، الگوهای توسعه با شدت بیشتری وارد شئون اداره نظام شد و امروزه آثار اجتماعی اخلاقی و فرهنگی آن نمایان شده است. زیرا اگر حب الدنيا (که در روایات به عنوان «رأس کل خطیئه» و محور کل گناهان و خطاها نام گرفته) هدف الگوها و ابزارهای اجتماعی قرار گرفت، بسیار طبیعی خواهد بود که اخلاق رذیله و گناهان در آن جامعه به صورت تصاعدی و شدیدتر از گذشته جریان پیدا کند. پس امروزه

۲. «کسانی که دنیا فریشان داد و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و آخرتش را در مقابل بهایی اندک و بی مقدار. استکبار ورزیدند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند».

وقتی که متحجرین به ظاهر متدین، فریاد «وا اسلاما» نسبت به وضعیت فرهنگی جامعه بلند می‌کنند باید توجه داشته باشند که مقصر اصلی این وضعیت، همین حکم به اشتراک کفر و اسلام در تأمین معاش و سکوت نسبت به استفاده و جریان الگوهای توسعه در جامعه اسلامی است.

البته اگر متحجرین را کنار بگذاریم، باید گفت که ساحت علما و متولیان دین منزّه است از اینکه برای دنیاپرستی مردم، محیط اجتماعی درست کنند اما پیچیدگی‌های امروزین کفر و جریان بسیار نامحسوس آن در کیفیت اداره و نحوه معاش و تدبیر شؤون زندگی مردم، باعث غفلت علما و مؤمنین شده و لذا در مقام عمل، به صورت ناخودآگاه این اوصاف ارزشی و ضد اخلاقی برنامه‌های توسعه را می‌پذیرند. همان‌طور که در مشروط سیاسی، فقط عنوان «دفع استبداد» مورد توجه واقع شد و پیچیدگی جریان کفر در وضع قوانین و نظام دموکراسی ملاحظه نگردید.

برای تأمل بیشتر نسبت به این مسئله، توجه به این روایت از امام سجاد (ع) بسیار اهمیت دارد^۳: «سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ» از حضرت سوال شد کدام اعمال در نزد خداوند با فضیلت‌تر است؟ حضرت فرمود: هیچ عملی بعد از معرفت به خداوند متعال و پیامبر اکرم (ص)، با فضیلت‌تر از «بُغْضِ الدُّنْيَا» نیست. «نفرت از دنیا» چنین جایگاه و فضیلتی دارد؛ زیرا همین «جاذبه‌ی دنیا» بود که عمر بن سعدها و ابن زیادها را به ارتکاب چنین فاجعه‌ای سوق داد. حال مصداق عینی این «نفرت از دنیا» در دوران ما چیست؟ آیا می‌توان به هوای نفس فردی اشخاص تطبیق داد و به مردم توصیه کرد: «دنبال زرق و برق و تجملات دنیا ندوید»؟! وقتی محیط اجتماعی و هدف‌گذاری برنامه‌های توسعه که توسط حاکمیت مهندسی و محقق می‌شود، بر محور دویدن برای زرق و برق دنیا است، چه انتظاری از آحاد مردم باید داشت که در رفتار فردی خود خلاف این محیط و بستر پرورشی اجتماعی عمل کنند؟! اساساً مگر عموم مردم چنین قدرتی دارند؟! لذا وقتی در منابر و سخنرانی‌ها این‌طور به مصداق نفرت از دنیا پرداخته می‌شود، مردم بیان این روایات و مصداق آن را اموری انتزاعی دانسته که ربطی به زندگی واقعی و متن حیات اجتماعی ندارد و به همین دلیل از روحانیت و سخنرانان فاصله می‌گیرند. مثال بسیار ساده آن همین عبارت معروف است که: «بدون دروغ نمی‌شود در بازار رشد کرد و کار و کاسبی خوبی به راه انداخت.» در مقابل این

۳. الکافی، جلد ۲، صفحه ۳۱۶.

واقعیت (که ناشی از محیط اجتماعی است) اگر تغییری در ابزارهای اجتماعی ایجاد نشود و صرفاً به تک تک افراد توصیه شود که دروغ را کنار بگذارند، مستمعین گرچه این توصیه را تصدیق کنند اما می‌گویند امکان اجرای آن وجود ندارد و به تدریج از گویندگان این توصیه‌ها جدا می‌شوند.

امام سجاد (ع) در ادامه این روایت به بیان شعب و اقسام گناه می‌پردازد و سپس می‌فرماید: «فَاجْتَمَعَنَّ كُلُّهُمْ فِي حُبِّ الدُّنْيَا فَقَالَ الْأَنْبِيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَعْدَ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ همه این اقسام و شعب گناه، در «حب به دنیا» جمع می‌شوند و از آن نشأت می‌گیرند و بعد از این شناخت و معرفت (به جمع شدن تمام شعب گناهان در حب به دنیا) است که انبیا و علما می‌گویند: حب به دنیا، محور و اساس هر گناه و خطائی است». بنابراین این عبارت معروف «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» که معمولاً به تنهایی در سخنرانی‌ها ذکر می‌شود، با توضیحات قبلی که حضرت فرمود، معنا پیدا می‌کند. البته - همان‌طور که در جلسه گذشته مطرح شد - در انتهای روایت حضرت دنیا را به دو قسم تقسیم می‌کند: «الدُّنْيَا دُنْيَا بِلَاغٍ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٌ». لذا بیان شد که باید مرزبندی تعاریف عینی و مصادیق امروزی این دو نوع دنیا مشخص شود و نباید به امور کلی و اجمالی بسنده کرد زیرا امروزه کفار توانسته‌اند «دنیای ملعونه» را به صورت کیفی و کمی در برنامه‌های توسعه و اهداف کلان و خرد جامعه قرار دهند و لذا ما نمی‌توانیم به تعریف کلی از «دنیای بلاغ» اکتفا کنیم و بگوییم: «دنیا را وسیله آخرتتان قرار دهید» و سپس از خود سلب مسئولیت کنیم و مردم را در برابر امواج دنیاپرستی رها کنیم.

در جلسه گذشته بیان شد که هدف‌گذاری‌های کلان و خرد است که خصوصیات ابزارها و ماشین‌ها را معین می‌کند؛ زیرا این ماشین باید بتواند شما را سوار کند و در مقصد معین پیدا نماید لذا باید طراحی و خصوصیات موتور، آلیاژ بدنه، روغن، بنزین و سایر اجزای این ماشین، با رساندن شما به مقصد مورد نظر تناسب داشته باشد. برای سفرهای بین‌شهری و تفریحی، اتومبیل عادی و لاستیک معمولی طراحی می‌شود اما سفرهای کویری و کوهستانی، جیب با لاستیک‌هایی ویژه می‌سازند و برای جنگ، تانک با شنی‌های مخصوص تولید می‌شود. لذا اگر در هدف‌گذاری جامعه، دنیا بر آخرت مقدم شود، ماشین‌ها و ابزارهای آن تفاوتی اساسی پیدا خواهد کرد با زمانی که در هدف جامعه، آخرت‌گرایی بر دنیاطلبی مقدم شود.

- اصل بحث:

به نظر می‌رسد این روایت که در کافی شریف از وجود مبارک امام صادق (ع) نقل شده، می‌تواند توضیح‌دهنده‌ی ابزار لازم برای دنیاپرستی باشد: «مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَاباً مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ أَلْحَرِصِ مِثْلَهُ» خدای متعال هیچ دری از امور دنیا را برای عبدی نگشود (یعنی فضای تلذذ و معاشقه با دنیا برای کسی باز نشد) مگر اینکه دری از «حرص» همانند آن درب دنیایی برای او بگشاید. به عبارت دیگر، اگر کسی «دنیا» را هدف زندگی خود قرار دهد، ابزار و لوازم این هدف‌گذاری، «حرص» خواهد بود. در کتب اخلاقی، حرص را این‌طور تعریف کردند: «تمایل شدید به چیزی که نیاز او نباشد»؛ به طور مثال انسان با خوردن یک وعده غذا، نیاز گرسنگی خود را رفع می‌کند و سیر می‌شود. اما کسی که عشق‌بازی با دنیا، هدف او در زندگی می‌شود مرتباً نسبت به این غذا تغییراتی را انجام می‌دهد و کثرت‌های مختلفی برای آن ایجاد می‌کند که از غذا خوردن خسته نشود و الا اگر به یک سطح از لذت اکتفا کند، به هدف خود رسیده و سریعاً دچار پوچی می‌شود. بنابراین حرص، از لوازمات اصلی دنیاپرستی است و به همین دلیل در روایات، وصف «حرص» به شدت مورد نهی و توبیخ واقع شده است.

بر این اساس، به نظر می‌رسد مدل و ماشین متداول اداره جوامع، برای تحریک و برانگیختن مردم و ایجاد انگیزش اجتماعی، نیازمند سوخت متناسب با هدف دنیاپرستی است که سوخت این ماشین و مدل توسعه، «خلق حرص» نام دارد. زیرا آنچه که باعث تحریک یک جامعه می‌شود این است که دائماً دنبال مطامع و لذات دنیا بدون و به هیچ سطحی از آن قانع نشوند. پس این جامعه باید بوسیله حرص، مرتب تحریک شود تا به سمت دنیا حرکت نماید و به هر سطح از لذات دنیا رسید، راضی نشود. لذا در روایات، حرص در کنار «حُبِّ الدنیا، حُبِّ المال، طمع و شره» و در مقابل وصف «زهد و قناعت» آمده است. وقتی «حرص» منشأ حرکت یک جامعه و موتور محرکه آن شد، دیگر به یک اخلاق اجتماعی تبدیل شده است و نه وصف فردی! همان‌طور که در جلسات گذشته، ۲۵ وصف را نام بردیم که قرآن کریم به قوم و امت‌ها نسبت داده است. حال اگر علت تحرک و فعالیت یک جامعه این باشد که به هیچ سطحی از لذات و دارایی‌های مادی خود راضی نشود، «جامعه‌ی حریص» شکل خواهد گرفت. حال مصداق امروزین این معنی از حرص، ایجاد محیط «مدّ و تنوع در انواع کالا» است. یعنی هر کالایی که بدست بیاورید سطح بعدی آن با مزایای جدیدتر در شرف ساخت است و بعد از مدتی به بازار می‌آید از پوشاک، کفش، فرش و مبلمان خانه تا معماری و

لوازم ساخت مسکن و تا مدل شهرسازی و زیباسازی شهری، ترمینال‌های زمینی یا ریلی یا هوایی حمل و نقل و... هر روز یک تنوع و مدّ جدیدتری تولید شده و وارد الگوی مصرف جامعه می‌شود. دائماً در کالاهای مورد استفاده‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها، خانواده‌ها و افراد تنوع جدیدی به بازار می‌آید؛ یعنی هر روز شکل‌های جدید، رنگ‌های جدید، طعم‌های جدید و مدل‌های جدیدی از کالاها تولید شده و بوسیله «تبلیغات رسانه‌ای» برای مردم و «برپایی نمایشگاه‌های بازرگانی» برای شرکت‌ها و سازمان‌ها، ایجاد «نیاز» می‌کنند و افق جدیدی برای معاشقه با دنیا می‌گشایند. لذا در نمایشگاه‌های بازرگانی، آخرین سطح از تنوع و مدّ در ابزارهای تخصصی مانند لوازم و ماشین‌آلات صنعتی، انتظامی، پزشکی، مبلمان اداری و... برای تحریک سازمان‌ها و شرکت‌ها برپا کرده تا هر روز با توجیه «بهره‌وری» یا «ارتقا کارآمدی»، تنوع و مدّ جدیدی وارد الگوی مصرف جمعی، سازمانی و فردی شود. در واقع علت اصلی تحریک و فعالیت اقتصادی یک جامعه، همین تحریص برای دستیابی به الگوی مصرف جدید و متنوع‌تر است.

قبل از رنسانس، بخش مهمی از تحریک عموم برای فعالیت و کار بر اساس استبداد و زور و ارباب و ترسی شکل گرفته بود که از نظام مولا و عبد و ارباب و رعیت نشأت می‌گرفت. اما در دوران جدید که این فضا به نسبت زیادی از بین رفته و آزادی و دموکراسی مطرح شده، مردم جهان چگونه این سطح شدید از فعالیت را انجام می‌دهند؟ آیا غیر از این است که در چنین فضای اجتماعی، برای تحریک انگیزه‌ها و تسریع حرکت جامعه و هماهنگی آن با چرخش سرمایه، باید دائماً کالاهای متنوع و جدید را در مقابل این جامعه قرار داد تا این مردم برای دستیابی به آنها به بالاترین حد از فعالیت‌های اقتصادی برسند؟! چه کالاهای دولتی و چه کالاهایی صنفی و چه کالاهای عمومی، و چه کالاهای سیاسی، چه کالاهای فرهنگی و چه کالاهای اقتصادی. اساساً «مد» در دنیای امروز دیگر محدود به پوشاک و آرایش نیست بلکه به همه عرصه‌ها و تمام کالاها و شؤون زندگی تعمیم پیدا کرده است. حال اگر مد و تنوع و تحریص به آن از لوازمات تحریک یک جامعه برای فعالیت اقتصادی شد، «بدحجابی» هم قهری خواهد بود. لذا وقتی علما و متدینین به مدهای پوشش و حجاب جوانان و خانم‌ها معترض می‌شوند، آنها متعجب می‌شوند که «چرا این مسئله (تنوع و مد) در همه شؤون زندگی صحیح است و حلال؛ ولی در پوشش ما، ناصحیح و حرام؟!». یعنی اگر اخلاق تنوع و مدگرایی، عمومی شد، در همه کالاهای کلان و خرد (مانند حجاب و پوشش) نیز جریان پیدا می‌کند. به

عبارت دیگر، «تنوع» در هر چیزی که باعث لذت بردن و بهره‌مندی از دنیا می‌شود، ضروری خواهد بود و نمی‌توان با آن مقابله کرد.

پس برای تحریک یک جامعه و تأمین سوخت ماشینی که جامعه را حرکت می‌دهد، «اقامه اخلاق حرص» صورت می‌گیرد. حال آیا خداوند متعال اجازه می‌دهد که منشأ تحریک و تحرک جامعه اسلامی، «خلق حرص» باشد؟! این همه سخنرانان و علما و عرفا به مردم درباره «نیت و انگیزه» تذکر می‌دهند؛ حال آیا نباید درباره این موضوع، که تصرف در «انگیزه‌های یک جامعه» است موضع‌گیری کرد؟! علاوه بر این که انگیزه‌های جمعی و اجتماعی، ماهیت انگیزه‌های فردی را هم تغییر می‌دهد. به طور نمونه، به این روایت استناد می‌شود که «اگر کسی کار کند تا نفقه خانواده خود را تأمین کند، همانند مجاهد فی سبیل الله خواهد بود» اما از این واقعیت غفلت می‌شود که امروزه آنچه عامل تحریک برای کار کردن افراد می‌شود، حرص برای دستیابی به مرحله بعدی کالاهاست و نفقه نیز عملاً بر همین اساس (تأمین الگوی مصرف به‌روزتر و جدیدتر) تعریف شده است؛ زیرا مرتباً خودرو، مبلمان، کابینت و دکوراسیون خانه و... متنوع‌تر و به‌روزتر می‌شود و عُرف، تأمین این امور را از لوازمات نفقه تلقی می‌کند. پس در ظاهر عناوین ارزشی و مقدس مانند «تأمین نفقه» و «مجاهد فی سبیل الله» بر فعالیت مکلفین منطبق است ولی در عمل و واقعیت، حرص و تحریک مادی در افراد جریان پیدا می‌کند تا شبانه‌روز کار و فعالیت اقتصادی انجام دهند و هزینه این رفاه روزافزون و توقف‌ناپذیر را بدست آورند. چرا که نیت و انگیزه فرد، تابعی از انگیزش اجتماعی شده و وقتی روند انگیزش‌های اجتماعی تغییر کند، نیت‌های فردی نیز تغییر پیدا خواهد کرد و همه افراد «لَسْبَطُ الْقُلُوبِ» خواهند شد یعنی قلب‌ها برای حرکت به سمت هدایت و آخرت‌گرایی کُند و متوقف شده و با سرعت نور به طرف دنیاپرستی کشانده می‌شوند؛ مگر «فَلَيْلًا مِّمَّنْ عَصَمَ اللَّهُ» که روایت آن در جلسه گذشته بیان و توضیح داده شد.

از این رو، وقتی مؤمنین از علما درباره اشتغال به شغل‌های جدید امروزی سوال می‌کنند آنها شرط این نوع اشتغال را «نیت خالصانه برای تأمین معاش حلال» ذکر می‌کنند اما به این نکته اساسی توجه نمی‌شود که انگیزه اصلی برای چرخه فعالیت در این شرکت، «حرص» است. سپس مرتب علما به مردم می‌گویند: «چرا به فقرا کمک نمی‌کنید؟ چرا انفاق نمی‌کنید؟» حال اینکه مردم می‌دانند گرچه کالای مورد نیاز خود را تهیه کرده‌اند اما باید دوباره پول جمع کنند تا بتوانند سطح بعدی همین کالا را تأمین نمایند. زیرا وقتی کالاهای

مورد استفاده مردم، دائماً تغییر می‌کند و محیط تنوع و کثرت در کالاها ایجاد می‌شود، هماهنگ نبودن با این تغییرات، باعث «تحقیر» در جامعه خواهد شد؛ یعنی آبروداری مردم به داشتن کالاهای به‌روز است و اگر خودروی پیکان یا تلویزیون قدیمی خود را نگه‌دارند و از آن استفاده کنند، به صورت ناخودآگاه در بین اقوام و دوستان و خانواده و فرزندان خود به «فقر»، «عقب‌ماندگی» و... متهم شده و تحقیر می‌شوند. در نتیجه، انفاق در این فضای اجتماعی بی‌معنا یا کم‌رنگ خواهد شد. لذا وقتی جنگ تمام شد و بحث سازندگی و رونق اقتصادی مطرح شد، برای اولین بار ماشین‌های جدید در خیابان‌های تهران چشم همه را به خود خیره می‌کرد زیرا تا قبل از آن، اکثر مردم یا پیکان داشتند و یا رنو و ژیان! در واقع توسعه‌یافتگی از طریق مانور تجمل، جلال و جبروت الگوی مصرف جدید و کارآمدی و آسایش و رفاه کالاهای مدرن، همه دل‌ها را می‌برد و باعث ایجاد انگیزه‌های بالا برای کار و فعالیت اقتصادی می‌شود. در حالی که این نحوه ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های اقتصادی، با روح آیات و روایات و لوازمات آن در موضوعاتی چون توصیه به انفاق، خلوص، انگیزه، نیت و... در تعارض صریح است و از همه بدتر، معنای «اقامه حرص» در شکل و صورت جدید است.

جالب اینکه شروع این نوع از انگیزش اجتماعی برای فعالیت اقتصادی در دوران بعد از جنگ، در دوران رئیس‌جمهوری آقای هاشمی بود؛ در حالی که ایشان در خطبه‌های نماز جمعه سال ۶۰ می‌گویند: «امروز برای ملت ایران ارزش‌ها عوض شده است؛ در رژیم گذشته (دوران پهلوی) همه‌ی توجه این بود که آدم، خانه خوب داشته باشد، ماشین خوب داشته باشد، روابط خوبی با مراکز قدرت داشته باشد و... امروز برعکس [شده است]. می‌بینید که ارزش‌ها در جامعه عوض شده است: دیگر امروز لباس اتو کشیده، ماشین پر زرق و برق، ماشین گنده‌تر و خانه گنده‌تر و حتی پُست بزرگ‌تر و اینها، هیچ‌یک دلیل افتخار و سند ارزش و جاذبه برای حرکت انسان در جامعه ما نیست... آثار تحول روحی در اجتماع ما در همه انواعش به چشم می‌خورد حتی در کارهای ظریفی مثل مدرک‌خواهی و از این قبیل. سابقاً همه درس می‌خواندند و همه هدفشان این بود که برسند به آن دانش‌نامه که عکس‌شان را با آن سندی که دکترا یا لیسانس‌شان را معرفی می‌کند نشان دهد. [اما] امروز دیگه اینها ارزش ندارد [بلکه] صلاحیت‌ها ارزش پیدا کرده. تحصیل این جویری شده. کار کردن این جویری شده. پست گرفتن این جویری شده. استفاده از نعمت‌های دنیا این جویری شده. مجموعه ارزش‌ها در جامعه‌ی ما جای خود را با گذشته عوض کرده است و این، نهایت اوج عظمت تحول روحی یک

جامعه است که ما امروز داریم».^۴ این نوع تحلیل از عامل انگیزه و تحریک مردم، به علت ملاحظه کارآمدی آن در عرصه‌های دفاعی و امنیتی و خدمت‌رسانی در ابتدای انقلاب بود اما چون نتوانستیم این تجارب موفق الهی را در سطح مدل و الگو و مهندسی ابزارهای اجتماعی بیاوریم، تصور شد: «کارآمدی این نوع ایجاد انگیزه برای کار کردن، موقت و وهله‌ای یا موضوعی بوده است یعنی فقط برای محیط جهاد و شهادت کارآمدی دارد نه فعالیت‌های اقتصادی»! لذا آقای هاشمی رفسنجانی که چنین مطالب کم‌نظیری را در خطبه نماز جمعه سال ۶۰ ایراد می‌کند، در سال ۶۸ مطالبی ۱۸۰ درجه خلاف آن را می‌گوید: «اظهار فقر و بیچارگی کافی است. این رفتارهای درویش مسلکانه و جبهه جمهوری اسلامی را نزد جهانیان تخریب کرده است. زمان آن رسیده که مسئولین ما به «مانور تجمل» روی آورند». یا در خطبه نماز جمعه سال ۶۸ می‌فرماید: «نمازهای جمعه اگر بخواهد منظره اسلامی داشته باشد، باید مردم که می‌آیند، بهترین لباس‌هایشان را و عالی‌ترین حالت آرایشی در همان سطحی که در زندگی‌شان هست، داشته باشند. اصلاً باید مانور تجمل باشد...». لذا در این دوران، واردات کالاهای لوکس به کشور و در معرض عموم قرار دادن آنها شروع شد تا باعث تحرک و ایجاد انگیزه برای کار کردن و فعالیت اقتصادی شود. نمی‌توان این تغییر تحلیل و موضع‌گیری در ایشان و دیگر مدیران کشور را ناشی از میل آنها به دنیاپرستی دانست بلکه از لوازمات تبعیت از توصیه‌های کارشناسان و متخصصین اقتصادی و مدل‌های کاربردی غربی است که می‌گویند: «اگر می‌خواهید تحرک شدید اقتصادی در کشور ایجاد شود باید محیطی از تنوع و کثرت در کالاهای لوکس را جلوی چشم مردم ایجاد کنید تا علت حرکت آنها برای کار با کیفیت و کمیت شود.» زیرا این مدل‌های اداره و اقتصادی را دنیاپرستان جهانی تولید کرده‌اند و وقتی هدف از این مدل‌ها دنیا باشد، هیچ انگیزه‌ای را مگر رسیدن به دنیای متنوع شونده و به‌روز شونده، به رسمیت نمی‌شناسند. لذا فقط انسان اکونومیک و اقتصادی را انسان می‌دانند. یعنی انسانی که به سودآوری فکر نکند، انسان نمی‌دانند.

در حالی که انقلاب اسلامی جامعه‌ای ایمانی را ایجاد کرده که رهبران آن، اوج تحقیر دنیا را برای دفاع از پرستش خدای متعال رقم زده‌اند و مؤمنین با مشاهده‌ی این رفتار، بالاترین انگیزه‌های الهی برای ایثار و فداکاری پیدا کرده‌اند و مصادیق آن، از مجاهدت در دوران دفاع مقدس تا کمک به زلزله‌زدگان و سیل‌زدگان و رزمایش مواسات در دوران حاضر قابل مشاهده است اما چون مدل اداره حاکم بر کشور به صورت مادی

۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۶۰/۱۱/۲۳.

تعریف شده، نمی‌تواند برای این نوع انگیزه‌های الهی و جهادی، بستر اجتماعی درست کند و اساساً این نوع انگیزه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد و لذا این انگیزه‌های نورانی، در دیگر بخش‌های اصلی و حیاتی کشور مانند جنگ اقتصادی جریان پیدا نمی‌کند. لذا مقام معظم رهبری مرتباً تأکید می‌کنند اگر این انگیزه‌های الهی که در بین مردم ایران است وارد عرصه اقتصادی شود بخشی زیادی از مشکلات اقتصادی ما حل می‌شود و به طور نمونه، روحیه مخلصانه یک شهروند برای کمک به ماشین‌هایی که در یخ‌زدگی شهر تهران گیر کرده بودند را به عنوان نمونه‌ی بارز روحیات جهادی مردم ایران دانستند که باید بستری ایجاد شود تا همین روحیات و انگیزه‌های جهادی و الهی وارد بخش تولید شود.^۵ پس انقلاب اسلامی با همین انگیزه‌های الهی و روحیه ایثار در بین خداپرستان و کارکردن برای کمک به دیگران، بدون نفع مادی و همکاری و همیاری بین مؤمنین، توانست از همه‌ی سختی‌ها و شکنجه‌ها و کشته‌شدن‌ها عبور کند و پیروز شود والا هیچ انگیزه مادی‌ای توان تحمل این مرارت‌ها را ندارد. لذا حضرت امام خمینی با ایمان راسخ خود و با تکیه به زمینه‌های حب اهل بیت (ع) در مردم ایران از قدیم، مبنای آخرت‌گرایی و ایثار در هدف زندگی و وجدان کاری بدون نفع مادی و اخلاق شهادت‌طلبی و تحقیر دنیا را در مردم ایران ایجاد کرد و اثر آن، حرکت اجتماعی شدیدی شد که هیچ نحوه تحرک مادی، قدرت ایجاد چنین نهضتی را نداشت؛ حرکتی که باعث ایجاد یک انقلاب بزرگ در قرن بیستم شد و توانست جهان را تکان دهد.

بنابراین حقیقی‌ترین حقیقت جهان، «ایمان» به خدای متعال و قیامت است که باعث شکل‌گیری اوصافی مانند «ایثار» می‌شود و کارآمدی آن برای تحریک یک جامعه، به مراتب بالاتر از انگیزه‌های دنیایی است. زیرا این انگیزه‌های مادی، وهله‌ای و غیرپایدار است و از سوی دیگر، ما کارآمدی این انگیزه‌های

۵. مقام معظم رهبری: «فرهنگ کار جهادی و همکاری و تعاون را مردم بین خودشان، کسانی که می‌توانند، حوزه‌ی نفوذی در بین مردم دارند، ترویج بکنند. خوشبختانه مردم ما آماده‌اند. شما ملاحظه کنید یک سیل می‌آید، یک زلزله می‌آید، مردم خودشان بدون اینکه کسی به آنها بگوید، وارد میدان می‌شوند. این تجربه‌ی ما است، مال امروز هم نیست؛ از قبل از انقلاب هم همین جور بود. من خودم چند تجربه‌ی موفق عینی شخصی دارم در قضیه‌ی کمک‌های مردمی و تعاون‌های مردمی برای این جور حوادث. در همین قضیه‌ی سه روز پیش که در خیابانهای تهران یخ و بارندگی بود، تلویزیون نشان داد، من دیدم که چند نفر آدم، چند نفر مسلمان، آمدند شن و نمک آوردند! [اینها] نه عضو شهرداری‌اند، نه عضو خدمات شهرداری‌اند، نه عضو نیروی انتظامی‌اند، [بلکه] مردم معمولی‌اند، این خیابان هم خیابان متعلق به آنها معلوم نیست باشد، آن ماشین‌هایی هم که دارند می‌روند ماشین‌های آنها نیستند، اما ماشین گیر کرده، روی یخ نمی‌تواند حرکت کند، آمده شن می‌پاشد! یعنی مردم ما این جور هستند؛ آماده‌اند. از این روحیه استفاده بشود برای ترویج کار جهادی». بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی؛ ۱۳۹۸/۸/۲۸.

الهی را در دوران انقلاب و دفاع مقدس دیده‌ایم. لذا امام سجاد (ع) در ادامه روایتی که بیان شد، می‌فرماید: «أَنَّ أَكْثَرَ مَا يُطَلَّبُ مِنْ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ» اکثر اموری که انسان به دنبال آن می‌رود (برای دستیابی به آن حرص می‌خورد)، چیزهایی هست که به آن نیاز واقعی ندارد. بر این اساس، آیا صحیح است که امروزه جامعه اسلامی، تعریف نیازمندی‌های زندگی خود را از دنیاپرستان جهان بگیرد و سپس در عمل ناچار شود تا «خلق حرص» را عامل تحریک مردم قرار دهد؟! در حالی که طبق این روایت، حتی اکثر آن چیزهایی که خود ما مسلمانان نیز دنبال می‌کنیم، نیاز و احتیاج واقعی به آن نداریم.

پس انقلابیونی که مسئولیت امور کشور را به عهده گرفته‌اند یا خواهند گرفت باید توجه داشته باشند همان‌طور که - بنا بر سفارش رهبری معظم - در مذاکرات سیاسی نباید به امریکا و نظام سلطه اعتماد کنند، در مدل‌های اداره و کیفیت ایجاد انگیزه و تحرک برای جامعه اسلامی نیز نباید به مدل‌های امریکایی و دیگر دنیاپرستان جهان اعتماد کنند و تعریف نیازمندی‌های زندگی را از آنان بپذیرند. بعضاً انواع بدبینی‌ها درباره رفتار مومنین مطرح می‌شود و کارهای آنها حمل بر سوداگری و ریا و زبان‌بازی و... می‌شود اما همان رفتار اگر از سوی کفار انجام شود، به نظم و انسانیت و امور خیر حمل می‌شود! آیا کسی که با مشاهده افعال امام حسین (ع) و دیگر ائمه اطهار (ع)، دنیا در نزدش تحقیر شده و دائماً به دنبال انجام افعالی است که تقرب به این بزرگواران پیدا کند و از حرص برای دستیابی به دنیا بالنسبه فاصله گرفته، قابل اعتماد نیست و کسانی که چیزی جز رسیدن به بهره‌مندی بیشتر از مطامع دنیا را نمی‌شناسند، اهل خیر و انسانیت هستند؟! آیا نباید به رفتارها و هنجارهای این نوع افراد و جوامع‌شان بدبین بود؟! مگر دنیاپرستی و حرص نمی‌تواند منشأ ایجاد هنجار و نظم اجتماعی شود؟! فشار حرص و دنیاپرستی به جایی رسیده که امروزه در برخی از کشورها مکان‌هایی مملو از انواع وسایل شکستنی را درست کرده‌اند که افراد با پرداخت هزینه به آن‌جا می‌روند و وسایل درون اتاق را می‌شکنند تا تخلیه شوند و از فشارهای روحی رها شوند! این، از لوازمات «خلق حرص» است و در روایات، ایجاد «هم» دائمی به عنوان اثر حرص ذکر شده است. یعنی اشخاص در چنین جامعه‌ای دائماً باید هم و غم لذت‌های جدید و دستیابی یا عدم دستیابی به آنها را داشته باشند و به دنبال کالاهای جدید، لباس‌های جدید، مدل ساخت خانه‌های جدید، مبلمان جدید، خودرو جدید و... بدون و همین مطلب، منشأ تحریک یک جامعه برای انجام کار بیشتر و با کیفیت‌تر می‌شود.

طراحان این مدل‌ها تصور می‌کنند برای تحریک مردم به کار، ابزار و انگیزه‌ای غیر از حرص وجود ندارد. در حالی که به وضوح مشاهده می‌شود بالاترین سطح تحرک و نظم در انجام فعالیت بدون انگیزه‌های مادی، در اصل ایجاد انقلاب و جنگ تحمیلی و برپایی هیئات عزاداری و... حاصل شده و می‌شود. آنچه موتور محرکه این جامعه با این سطح از فعالیت می‌شود حبّ خداوند و ائمه اطهار (ع) و بالاتر رفتن عظمت و قدرت اسلام است. به عبارت دیگر، مؤمنین چنین فعالیت‌های بزرگی را بدون انگیزه مادی انجام می‌دهند تا پرچم محبت امام حسین (ع) در نقاط بیشتری به اهتزاز در بیاید. لذا باید توجه داشت که وجود این سطح از انگیزه‌های الهی، واقعیت جامعه ما است و مقام معظم رهبری نیز مرتباً به مسئولین فشار می‌آورد که این انگیزه‌ها را به طرف حل چالش‌های اقتصادی کشور و مشکلات معیشتی مردم سوق دهند اما فعالیت‌های اقتصادی در مدل توسعه به نحوی طراحی شده که بدون ایجاد محیط «حرص» و انگیزه‌های مادی، تحرک اقتصادی ممکن نخواهد بود. بنابراین در عمل، زمینه برای انگیزه‌های الهی مردم ایران در فعالیت‌های اقتصادی ضیق می‌شود؛ گرچه برای انگیزه‌های دنیاطلبانه و حریص، بستر بسیار مناسبی برای حرکت پرشتاب را نیز ایجاد می‌کند. بر این اساس، وقتی جوانان مؤمن انقلابی که بالاترین کارآمدی را در بحرانی‌هایی مانند جنگ سوریه یا زلزله و سیل از خود به جا گذاشتند می‌خواهند با روحیه مجاهدانه وارد عرصه اقتصادی بشوند با موانعی مانند تحصیلات، رزومه، سوابق کار، سرمایه و... مواجه می‌شوند و از طرفی، مسیر برای شدیدترین انگیزه‌های مادی و سرمایه‌داران به سهولت باز و هموار است. البته اشتباه است که علت این چالش، صرفاً مسئولین نفوذی یا غرب‌زده و لیبرال معرفی شوند زیرا این چالش (عدم بستر حضور انگیزه‌های الهی در فعالیت‌های اقتصادی)، از لوازمات مدل اداره رایج در جهان است و نخبگان حوزوی و دانشگاهی نسخه و مدل جایگزینی (که متناسب با انگیزه‌های انقلابی مردم ایران باشد) تولید نکردند تا مسئولین طبق آن عمل کنند. لذا در عمل، از این نعمت بزرگ و بی‌نظیر «انگیزه‌های مجاهدانه» مردم ایران فقط در بحران‌های امنیتی و حوادث طبیعی استفاده می‌شود که در آنجا نیز به دلیل نداشتن الگو و ساختار همه‌جانبه، فقط به اموری مانند: «خارج کردن گل و لای از منازل سیل‌زدگان» بسنده می‌شود. زیرا کسانی که سرپرستی تحریک این انگیزه‌های الهی در جامعه را عهده‌دارند (یعنی علما و نخبگان دینی و هیئتی‌ها) توجه ندارند که باید مدل اداره کشور را بر اساس این انگیزه‌ها طراحی کنند و مسئولیتی در این زمینه قبول نمی‌کنند. روحانیت و متدینین امروز باید به این مطلب توجه کنند که بسترهای اجتماعی، باعث تضییق

یا توسعه و رشد چه انگیزه‌هایی می‌شود و چه اخلاق‌هایی را در جامعه ایجاد و چه اخلاق‌هایی را از جامعه حذف یا منزوی می‌کند.

باید توجه داشت که منظور ما از این مطالب، بازگشت به زندگی قرون گذشته و توقف و رکود در همه جوانب زندگی و نفی تکامل نیست؛ بلکه بحث بر سر این مطلب است که مبنای تغییرات و پیشرفت و تکامل جامعه چه چیزی باشد؟ زیرا انسان لاجرم در حال بهینه، رشد و تکامل کار و کالا و ابزارهای خود است اما باید بدانیم که مبنای این بهینه و رشد چه چیزی قرار می‌گیرد؟ آیا مبنای آن، «حب الدنیا» باشد یا مبنای آن، ایجاد توجه اجتماعی به آخرت و بالابردن قدرت خداپرستان در مقابل دشمن و ایجاد محبت و اعتماد عمومی بین مؤمنین باشد؟ لذا اگر آخرت‌گرایی مبنای جامعه شد، حتماً کیفیت زندگی و کالاها و ابزارهای متناسب با آن تغییر و رشد خواهد کرد اما این کار بر مبنای دنیاپرستی و با اقامه حرص انجام نمی‌شود. لذا در نظام اسلامی نیز «تنوع» وجود دارد ولی تنوع در ارتباط با خدای متعال و تنوع در خدمت به حضرات معصومین و مؤمنین و تنوع در عبادت و ایثار است. بالاترین سطح از تنوع‌گرایی الهی توسط امام سجاد و اجداد و فرزندان مطهر ایشان علیهم‌السلام در ادعیه صحیفه سجادیه و سایر ادعیه محقق شده است. تنوعی که در دعای جوشن کبیر دیده می‌شود و در آن با هزار اسم خدای متعال را صدا می‌زنیم، چه زیباست اما چون مدل‌های اداره مادی ما را به تنوع‌های مادی عادت داده، به تنوع الهی عادت نداریم و در میانه دعا خسته می‌شویم و می‌گوییم چقدر طولانی است و اصلاً چرا باید با هزار اسم خدا را صدا بزنیم؟ در واقع محیط و بستر اجتماعی برای لذت بردن از این ادعیه متنوع و سپس ایجاد تحریک الهی برای فعالیت اجتماعی وجود ندارد. لذا در ذهن اکثر مؤمنین، ارتباط این ادعیه با انجام فعالیت‌های روزمره‌شان قطع است. اما اگر درگیری با مراکز تولید اخلاق رذیله و دنیاپرستی و دفاع از خوبی‌ها به عنوان منشأ انگیزش اجتماعی قرار گیرد، مواجهه با قدرت کفار و تلاش برای غلبه و فشارها و سختی‌های ناشی از آن باعث می‌شود تا احساس نیاز و احتیاج به ارتباط با خدا عمیق و همه‌جانبه شود.

بنابراین انگیزه‌ی الهی و خالی از دنیاپرستی و حرص، یک واقعیت است که می‌تواند منشأ بهینه و رشد و تنوع الهی باشد که نمونه‌ی کوچکی از آن را می‌توان در راهپیمایی با شکوه اربعین مشاهده نمود؛ موکب‌دارانی که بدون هیچ انتفاع مادی، این حجم از خدمات متنوع و کثیر را مدیریت کرده و نیازهای اولیه‌ی حدود ۲۰ میلیون زائر را در مدت بیست روز برآورده می‌کنند. این معنا از دنیا، همان معنای «دنیای بلاغ» است که در

روایات رفتن به سمت آن، مدح شده است. گرچه این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه محاسبات و تخصیص‌ها و شاخصه‌های کیفی و کمی اداره کشور، این تعاریف الهی و این نحوه از تنوع را بپذیرد و بتواند تمام قواعد تخصیصی خود را بر این اساس تنظیم نماید. در غیر این صورت، همانند وضع فعلی خواهد شد که چند ماه قبل از شروع این حادثه بزرگ و بی‌نظیر قرن (پیاده روی اربعین)، «ستاد اربعین» فعال شده و چند روز بعد از آن نیز تعطیل می‌شود. در حالی که در کشور حسینی، «عشق بازی با امام حسین» و «شور حسینی در هیئات»، باید مبنای تحرک اجتماعی مردم در طول سال و در همه‌ی زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی شود و مانع اصلی برای تحقق این امر، عدم توجه روحانیت و مؤمنین و هیئتی‌ها نسبت به کفرآمیز بودن ماشین اداره جوامع و نحوه حکمرانی مدرن و لوازمات عینی آن است. در روایت آمده است که «أَصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْحِرْصُ وَالْإِسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ»؛ اگر حرص به عنوان یکی از اصول کفر، «محور تحریک جامعه» در الگوهای حکمرانی متداول جهانی شود، نباید مؤمنین و عزاداران حسینی به بررسی و کسب بصیرت نسبت به ابعاد آن پردازند؟! به نظر می‌رسد اگر این الگوها بدرستی تبیین شود و مشخص شود که مصداق «خلق اجتماعی حرص» است، هیچ فقیهی جایز نخواهد دانست که چنین الگوهایی بر سرنوشت جامعه اسلامی و اخلاق اجتماعی آن حاکم بشود. لذا چالش اصلی در این مشروطه اقتصادی، «تطبیق حکم بر موضوع و مصداق» است؛ همان‌طور که در مشروطه سیاسی نیز چالش اصلی همین مسئله بود؛ اکثر علما (به غیر از شیخ فضل الله و من تبعه) مشروطه را مصداق دفع ظلم تلقی می‌کردند در حالی که مشروطه‌ی مطلق و بدون قید، مصداق هجمه مدرن به دین بود؛ که این اختلاف، حوادث و ضایعاتی را رقم زد که در جلسات گذشته مفصلاً توضیح داده شد.

امروز این الگوهای اداره، مصداق حرص و آیه شریفه «لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده/۲) است و توسط آنها، همکاری اجتماعی برای تحقق رذایل و گناهان شکل می‌گیرد؛ اما به دلیل پیچیدگی موضوعاتی مثل توسعه و مدل اداره، به آنها توجه عمیقی نمی‌شود و لذا مصادیق اجتماعی این آیات و روایات مغفول واقع می‌شود. سپس اوضاع فرهنگی و اخلاقی مردم طوری می‌شود که همه مؤمنین ناراضی بوده و به دوران دهه شصت غبطه می‌خورند؛ زیرا حس می‌کنند که در آن دوران، هم کارآمدی بیشتری در مقابل دشمن داشتیم (مانند پیروزی در یک جنگ تمام عیار هشت ساله) و هم آرامش و محبت و اعتماد و روابط اجتماعی بین

مومنین بیشتر بود. در آن دوران، عامل ایجاد انگیزه در درون جامعه «بهبخت و آرامش و همدلی نسبت به همدیگر، علی‌رغم داشتن زندگی ساده» بود و نسبت به فضای بیرونی جامعه، «افزایش قدرت اسلام» بود که باعث ایجاد امنیت پایدار شده و چند دهه است که جرأت تجاوز را از دشمنان تا دندان مسلح گرفته است. البته امروز نیز همان انگیزه‌های الهی در حقیقت و واقعیت جامعه ایران زنده است که بالاترین و آخرین سند عینی آن، تشییع پر شکوه پیکر شهید حاج قاسم سلیمانی بود که به تعبیر مقام معظم رهبری، «یوم‌الله» دیگری برای ملت ایران رقم زد. اما چون این انگیزه‌ها وارد مدل‌های برنامه نشده و مدیران و کارشناسان، آن را وارد عرصه‌های اداره نظام و این جنگ اقتصادی نکرده‌اند، نتوانسته است این چالش‌های کشور را بر طرف کند. در واقع انگیزه‌های الهی مؤمنین - که در ۱۵۰ سال گذشته، منشأ تحولات اساسی در کشور ایران شده - با فضای اقتصادی متداول نامأنوس است و در وجدان خود، آن را مخالف ارزش‌های دینی و آرمان‌های انقلابی می‌بیند و لذا وارد این عرصه نمی‌شود و از سویی، انگیزه‌های مادی افراد و جریان‌های لائیک نیز قدرت تحریک مردم ایران را ندارد. لذا عملاً مشکل «رونق تولید» و مسائل مربوط به آن مانند: اشتغال، تورم و گرانی، افت ارزش پول ملی و... حل نمی‌شود. زیرا اگر حرص عملاً به انگیزه «تولید» تبدیل شود، در جامعه‌ای که قشر پیشرو و پا به کار آن، از اخلاق مادی متفرند و دائماً در معرض نصیحت برای دوری از دنیاپرستی هستند، این تولید، رونق نخواهد گرفت.

پس به طور خلاصه، باید توجه داشت که تمام امور کشور (از تولید اقتصادی تا مسئله حجاب) به کیفیت «تحریک جامعه» بر می‌گردد و آنچه امروز در الگوهای توسعه، محور تحریک جامعه می‌باشد مصداق خلق «حرص» است؛ حرص به سمت «أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ!» در روایت دیگر حضرت به زیبایی دنیا را تحقیر می‌کند و می‌فرماید: «دنیا چیست؟ آیا بیشتر است از یک لقمه غذایی است که می‌خوری و سیر می‌شوی و نوشیدنی‌ای که می‌نوشی و سیراب می‌شوی». اما الگوهای توسعه، دائماً این غذا و نوشیدنی را متنوع کرده و «زَيْنَ لِلنَّاسِ» (آل عمران/۱۴) می‌کنند. واقعا مصداق امروزین این آیات چیست؟ چرا قرآن را طوری تفسیر و تطبیق نمی‌دهیم تا به امروز نیز ربط پیدا کند و زنده باشد؟! اگر قرآن و روایات درست به وضعیت امروز ما تطبیق داده شود، دیگر دوران مشروطه سیاسی پیش نمی‌آید و زودتر از شرایط مشروطه اقتصادی خارج می‌شویم و سپس به جای اکتفا به «قید زدن» این الگوهای اداره، از اساس به طراحی الگویی می‌پردازیم که متناسب با اهداف انقلاب و انگیزه‌ها و وجدان این ملت حسینی باشد.

